



ابعاد و اهداف حضور و نفوذ اسرائیل در آفریقا

زنیره نصری^۱، مختار زیبایی^۲، مسعود اخوان کاظمی^۳

چکیده

اسرائیل از طریق سیاست‌ها و راهبردهایی در ابعاد گوناگون (سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی، و اجتماعی) در صدد جذب هم‌پیمانان جدیدی در نقاط مختلف جهان و از جمله در کشورهای قاره آفریقا است. بر این اساس، اتحادیه آفریقا نیز اخیراً اسرائیل را به‌عنوان عضو ناظر پذیرفته است؛ بنابراین، هدف پژوهش حاضر، تحلیل ابعاد و اهداف حضور و نفوذ اسرائیل در آفریقا است. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی در صدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که «ابعاد و اهداف حضور اسرائیل در آفریقا کدامند؟» یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که «با توجه به حاکم بودن سیاست دکترین پیرامونی و عوامل شکل‌دهنده آن در اسرائیل و برخورداری کشورهای آفریقایی از مزیت‌های ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک، و ژئواستراتژیکی، و دارا بودن قابلیت‌های فراوان اقتصادی، امنیتی، و نظامی و نیز برپایه ملاحظات عمل‌گرایانه سیاسی و اقتصادی کشورهای آفریقایی، این رژیم تلاش می‌کند تا با گسترش روابط و پیوندهای خویش با این کشورها و گسترش حضور خود در قاره آفریقا، به اهدافی مانند ارتقای مشروعیت و وجهه سیاسی بین‌المللی خود، تضعیف وحدت ضداسرائیلی کشورهای عربی-اسلامی، کم‌رنگ کردن مسئله فلسطین، افزایش ضریب امنیتی (امنیت راهبردی خود در تقابل با ایران و هم‌پیمانانش، ارتقای امنیت آبی و امنیت جمعیتی) و بهره‌برداری اقتصادی دست یابد.

کلیدواژه‌ها: اسرائیل، آفریقا، دکترین پیرامونی، امنیت، فلسطین



۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران zanirenasri@gmail.com

۲. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران m.zibae1400@gmail.com

۳. استاد علوم سیاسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول) mak392@yahoo.com

The Dimensions and Goals of Israel's Presence and Influence in Africa

Zanire nasri¹, Mokhtar zibae², Massoud Akhavan Kazemi³

Abstract

Through policies and strategies in various dimensions (political, military, economic, cultural and social), Israel seeks to attract new allies in different parts of the world, including in Africa. In this regard, the African Union has recently accepted Israel as an observer member of the union. Accordingly, the purpose of this study is to analyze the dimensions and objectives of Israel's presence and influence in Africa. The present study uses a descriptive-analytical method to answer the question, what are the dimensions and goals of Israel's presence in Africa? The findings of this study show that due to the prevailing policy of peripheral doctrine and its shaping factors in Israel and African countries having geopolitical, geoeconomic and geostrategic advantages and having great economic, security and military potentials, as well as considerable economic and political considerations. This regime is trying to By expanding its ties with these countries and expanding its presence on the African continent, to goals such as enhancing its international legitimacy and political prestige, weakening the anti-Israel unity of the Arab-Islamic countries, diminishing the Palestinian question, increasing security (strategic security). Achieve, through confrontation with Iran and its allies, the promotion of water security and population security) and economic exploitation.

Keywords: Israel, Africa, environmental doctrine, security, Palestine



۵۸۷

ابعاد و اهداف حضور و نفوذ اسرئیل در آفریقا

-
1. Doctoral student of political sociology, Razi University of Kermanshah
 2. Master of International Relations, Razi University
 3. Professor of Political Science, Razi University of Kermanshah

در نظام بین‌المللی ای که به گفته رنالیست‌ها، اصل آنارشی بر آن حاکم است و دولت‌ها در محیط تهدیدآمیز ناشی از آن در پی ایجاد اتحادیهایی با دولت‌های دیگر برای بقا هستند، اسرائیل نیز که از ابتدای تأسیس با مشکل مشروعیت و قانونی بودن فلسفه وجودی خود و مسئله دفاع و امنیت و حالت تخاصم با کشورهای پیرامونی روبه‌رو بوده است، همواره به دنبال راه‌هایی برای برون‌رفت و غلبه بر معضلات سیاسی و امنیتی خویش بوده و از همین رو، از دهه ۱۹۵۰ به این سو با طرح «دکترین پیرامونی»^۱، در پی گسترش روابط و نفوذ خود در کشورهای غیرعرب منطقه است. هرچند در ابتدا کشورهای ایران و ترکیه نقش پررنگی در این سیاست داشته‌اند، اما با گذشت زمان و بروز رویدادهایی مانند انقلاب سال ۱۳۵۷ در ایران، نقش کشورهای غیرمنطقه‌ای مانند کشورهای آفریقایی، آشکارتر شده و آفریقا، در اولویت‌بندی منافع و قدرت و ابزارهای نفوذ اسرائیل، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده است. یکی از جدیدترین موفقیت‌های اسرائیل در این زمینه، پذیرش عضویت ناظر این رژیم در «اتحادیه آفریقا»^۲ است. مقاله حاضر با طرح این پرسش که «اهداف و ابعاد حضور اسرائیل در آفریقا کدامند؟» و با تأکید بر حاکم بودن دکترین پیرامونی و عوامل شکل‌دهنده آن بر سیاست خارجی این رژیم، و برخورداری کشورهای آفریقایی از ویژگی‌های لازم، به عنوان بخشی از این سیاست، و منافع این کشورها برای گسترش روابط با اسرائیل، که زمینه‌ساز گسترش این حضور شده است، اهداف اسرائیل از نفوذ در این قاره را بررسی کرده و تلاش می‌کند تا ضمن واکاوی نظریه دکترین پیرامونی و بیان پیشینه‌ای از روابط اسرائیل با کشورهای آفریقایی، ابعاد و اهداف این حضور و نفوذ را مورد بررسی قرار دهد.

۱. پیشینه پژوهش

با وجود پژوهش‌های پرشمار انجام‌شده درباره سیاست خارجی اسرائیل، به نظر می‌رسد که تاکنون پژوهشی درباره ابعاد و اهداف حضور و نفوذ این رژیم در آفریقا، به شکل پژوهش حاضر، موضوع و اهداف هر یک از طرفین را با توجه به تحولات روز منطقه، به گونه‌ای همه‌جانبه، بررسی نکرده است. اما به عنوان نمونه، یکی از پژوهش‌های انجام‌شده درباره روابط اسرائیل و آفریقا، مقاله بنجامین اوژر با عنوان «روابط اسرائیل و آفریقا: چه چیزی می‌توانیم از نتانیاهو بیاموزیم؟» است که تلاش‌های انجام‌شده مانند

1. Peripheral doctrine
2. African Union



گسترش دایره نفوذ سیاسی و سرمایه گذاری در آفریقا در دوره نئانیا هو در راستای گسترش روابط با کشورهای آفریقایی و همچنین، موانع تحقق کامل این سیاست‌ها، مانند ناکامی در جذب کشورهای تأثیرگذار این قاره مانند الجزایر، نیجریه، و آفریقای جنوبی را بررسی کرده است (Augé, 2020).

فهد یاسی در پژوهشی با عنوان «نفوذ اسرائیل به شرق آفریقا؛ اهداف و خطرات»، ضمن واکاوی فرازوفرودهای روابط اسرائیل و کشورهای آفریقایی، با بررسی نفوذ اسرائیل در آفریقا، به ویژه شرق این قاره، با توجه به منافع اقتصادی و همچنین، تهدیدات موجود برای اسرائیل در این بخش، پیش‌بینی می‌کند که با وجود منافع مشترک طرفین، از جمله کاهش تهدیدات امنیتی و همچنین، سرمایه گذاری اقتصادی، شاهد گسترش این رابطه در آینده خواهیم بود (Yasii, 2016).

رینا بیسیست، در مقاله‌ای با عنوان «پذیرش اسرائیل به عنوان عضو ناظر اتحادیه آفریقا؛ آشکارکننده شکاف‌های قاره‌ای»، با بررسی دو دهه تلاش اسرائیل برای حضور در اتحادیه آفریقا و دلایل ناکامی آن، حضور این رژیم به عنوان عضو ناظر در این اتحادیه را معلول تغییر در ساختارهای قدرت منطقه‌ای و شکاف‌های ایجادشده بین کشورهای آفریقایی و همچنین، تغییرات به وجود آمده برای اسرائیل پس از توافق «ابراهیم» و خروج آن از وضعیت انزوا می‌داند و نتیجه‌گیری می‌کند که این عضویت، افزون‌بر پیامدهای اقتصادی و امنیتی، سبب افزایش وجهه بین‌المللی اسرائیل خواهد شد (Bassist, 2021).

حمدی عبدالرحمن (۱۳۸۲)، در مقاله خود با عنوان «نفوذ اسرائیل در آفریقا و بازتاب آن بر امنیت ملی اعراب»، بر این نظر است که اسرائیل همچنان در عملکرد خود، بر راهبرد تضعیف دشمن به جای تعامل با آن، تأکید می‌کند. پژوهش یادشده، دلایل این راهبرد را از طریق بیان ویژگی‌های نقش اسرائیل در منطقه شاخ آفریقا، حوزه نیل، دریاچه‌های بزرگ، کمک به نسل جدید و رهبران آفریقا روشن کرده است. حسن بصیرت (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل استراتژی نفوذ اسرائیل در آفریقا»، اشاره می‌کند که اسرائیل از طریق اعمال راهبردهایی در زمینه‌های امنیتی، اقتصادی، فناورانه، و فنی و نظامی، توانسته است نفوذش را در آفریقا و سلطه بر شاخ آفریقا تثبیت و اعمال کند. افزون‌براین، نویسنده بیان می‌کند که آنچه سبب رویکرد و توجه فراوان اسرائیل به آفریقا شد، بحث درگیری میان اعراب و اسرائیل، اهمیت یافتن کشورهای آفریقا در نظام بین‌الملل، قدرت رأی آن‌ها در سازمان ملل، و وجود گروه‌ها و اقلیت‌های یهود در آفریقا بود.

صبری انوشه (۱۳۸۶) در پژوهش خود با عنوان «اهمیت منطقه غرب آفریقا در سیاست آفریقایی رژیم صهیونیستی»، بر این نظر است که این رژیم از طریق مناسبات با کشورهای غرب آفریقا، در پی دستیابی به

اهداف سیاسی، اقتصادی، و امنیتی خویش است.

در پژوهش دیگری، با عنوان «راهبرد اتحاد پیرامونی؛ رژیم صهیونیستی و نظریه موازنه تهدید در روابط بین الملل» که به قلم مجید عباسی، امیر قیاسی و زهرا باباجانی پور (۱۳۹۲) نگاشته شده است، تأکید شده که اسرائیل به دلیل وجود چهار متغیر تهدیدزا، یعنی قدرت، مجاورت، قدرت تهاجمی، و نیات تهاجمی، در پی این است که با اجرای راهبرد اتحاد پیرامونی مبنی بر اتحاد با کشورهای مسلمان غیر عرب منطقه و برقراری روابط گسترده با آنها، با موازنه تهدید در برابر کشورهای عربی، امنیت خود را افزایش دهد.

۲. چارچوب نظری پژوهش

اسرائیل همواره منطقه خاورمیانه را یک منبع تهدیدزا برای خود به شمار آورده است. این رژیم از زمان پیدایش، با توجه به اینکه در محاصره اعراب قرار گرفته و کشورهای عربی به شدت با تشکیل آن مخالفت کرده اند، به ایجاد ارتباط با بازیگران منطقه ای دیگر که در بردارنده کشورهای مسلمان غیر عرب (ترکیه-ایران)، کشورهای دارای هویت مسیحی (مانند اتیوپی و لبنان) و نیز اقلیت های قومی غیر عربی یا غیرمسلمان (کردها و آرامنه) بود، تمایل پیدا کرد. این راهبرد که به «اتحاد پیرامونی یا حاشیه ای» معروف شد، نخستین بار توسط ریوون شیلوا^۱، نخستین رئیس موساد، طراحی و به بن گوریون^۲ ارائه شد (Javedani, Moghadam, Musazadeh, 2010, 203). دیوید بن گوریون، نخست وزیر اسرائیل، در دهه ۱۹۵۰، «دکترین پیرامون» را اجرا کرد. این اقدام مبتنی بر فرضیه ای بود که اسرائیل باید روابط نزدیکی با کشورهای غیرعربی منطقه برقرار کند تا خود را از همسایگان عرب دشمن، محافظت نماید. به این ترتیب، بن گوریون برای خروج از محاصره و شکستن آن، دکترین یادشده را در دستور کار خویش قرار داد. او بر این نظر بود که بسیاری از کشورهای عرب، به دلایل پرشماری، حتی در میان مدت، با دولت وی رابطه ای نخواهند داشت و از نفوذ خود برای محدود کردن این حکومت در صحنه جهانی استفاده خواهند کرد و افزون بر آن، امکانات و ظرفیت های خود، به ویژه نفت، را به عنوان سلاحی علیه دولت یهودی به کار خواهند برد؛ بنابراین، به نظر او، چاره ای جز خروج از این بن بست، از طریق دور زدن اعراب و برقراری پیوند با واحدهای سیاسی دیگر خارج از این محیط، وجود نداشت (Shadmani, Yazdani, 2019, 151). به هر حال، نگاه اسرائیل به محیط سیاسی و امنیتی و حتی اجتماعی خاورمیانه، مبتنی بر تهدید امنیتی بوده و



1. Rivon Shilova

2. Ben Gurion

رهبران تل آویو بر همین اساس تلاش کرده‌اند، ورودی‌های آشوب‌ساز به نظام امنیتی خود را خارج از مرزهای خویش، کنترل و از ورود این آشوب‌سازها به درون نظام خویش، جلوگیری کنند.

از نگاه رهبران اسرائیل، وجود این فضا و نامشخص بودن روند صلح خاورمیانه، این رژیم را در برابر کشورهای خاورمیانه، به شدت آسیب‌پذیر کرده است؛ به گونه‌ای که ممکن است دچار مشکلات جدی سیاسی-امنیتی شود؛ از این رو، راهبرد خود را بر پایه افزایش نفوذ بنا کرده و محدوده راهبردی خود را در بستر خاورمیانه جدید تا دریای سیاه در شمال، خلیج عدن در جنوب، تنگه جبل الطارق در غرب، آسیای مرکزی و قفقاز و دریای خزر در شرق تعریف کرده است (Pasha Ghsemi, 2009, 82)؛ بنابراین، اسرائیل همواره با راهبردها و سیاست‌های گوناگون و با هماهنگی قدرت‌های غربی از جمله آمریکا، به منظور رفع تهدیدات امنیتی خود از طریق راهبردهایی در ابعاد اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی، و... سعی در گسترش مناسبات با کشورهای پیرامونی برای رسیدن به منافع و اهداف توسعه‌طلبانه خود داشته است (Taghipour, 2005, 284).

بر این اساس، آنچه به پژوهش حاضر مربوط می‌شود، بررسی ابعاد و اهداف حضور و نفوذ اسرائیل و روابط راهبردی آن در قاره آفریقا است. اگرچه بعضی از تحلیلگران بر این نظرند که دکترین پیرامونی از دهه ۱۹۸۰ به این سو دیگر کارایی خود را از دست داده است، اما به نظر می‌رسد این دکترین در کنار بعضی از کاستی‌ها، رنگ و بوی دیگری به خود گرفته و همچنان می‌توان حضور اسرائیل در منطقه خاورمیانه، به ویژه آفریقا را براساس این نظریه راهبردی، بررسی کرد؛ زیرا، با توجه به دیدگاه‌های عمل‌گرایانه سیاسی و اقتصادی اسرائیل و توانمندی‌های این رژیم و البته نیاز کشورهای آفریقایی به گسترش مناسبات با آن، قاره آفریقا، به عنوان جزئی از سیاست پیرامونی خاورمیانه‌ای اسرائیل، می‌تواند برای پر کردن خلأهای امنیتی این رژیم و رسیدن به اهداف توسعه‌طلبانه، همچنان کارساز باشد؛ همان گونه که شاهد بودیم که این رژیم در ۲۲ ژوئیه ۲۰۲۱، برای دستیابی به اهداف مورد نظر خود و مقابله با تهدیدهای امنیتی، سرانجام به عضویت ناظر اتحادیه آفریقا درآمد.

۳. تحولات روابط اسرائیل با آفریقا

سیاست‌های نفوذی اسرائیل در آفریقا، تحولات و مراحل گوناگونی را شاهد بوده است؛ به گونه‌ای که می‌توان این سیاست‌ها را در شش مرحله بنیادین در تحول خط‌مشی روابط اسرائیل با آفریقا از هم تفکیک و مشخص کرد.



۳-۱. مرحله نخست (۱۹۵۷-۱۹۴۸): سیاست بی‌توجهی به مستعمرات آفریقا

سیاستمداران اسرائیلی در سال ۱۹۴۸، با توجه به اینکه درگیر مسائلی چون امنیت و مشروعیت بودند، اهمیت زیادی برای گسترش مناسبات با قدرت‌های جهانی، از جمله ایالات متحده، انگلیس، فرانسه، و شوروی قائل بودند؛ بنابراین، در این مرحله و برهه زمانی، توجهی به مستعمرات آفریقایی نداشتند؛ به گونه‌ای که اسرائیل در پایان سال ۱۹۵۷ در سرتاسر جهان، تنها هفت سفارتخانه داشت که شش مورد از آن‌ها در قاره اروپا و آمریکای شمالی بود (Altayaar, 1986, 167).

۳-۲. مرحله دوم (۱۹۷۳-۱۹۵۷): سیاست‌های نفوذ اسرائیل در آفریقا و عادی‌سازی روابط

شاید بتوان سال ۱۹۵۷ را زمان آغاز حضور اسرائیل در آفریقا به‌شمار آورد؛ زیرا، اسرائیل نخستین کشور خارجی بود که سفارتش را در «آکرا»، پس از کمتر از یک ماه از استقلال غنا، افتتاح کرد. روابط اسرائیل با غنا از طریق اتحادیه‌های کارگری بین دو کشور آغاز شد؛ به گونه‌ای که نمایندگان این اتحادیه‌ها در محافل بین‌المللی و نیز دیدارهای دوجانبه با هم‌اجتماعاتی را برگزار کرده‌اند. سفارت اسرائیل در آکرا نیز نقش مهمی در تحکیم روابط بین دو کشور داشت و سبب گشایش دو سفارت دیگر در مانروویا (پایتخت لیبیا) و کوناکری (پایتخت گینه) شد؛ زیرا، غنا از امکانات و کمک‌های توسعه‌ای و فنی اسرائیل بهره‌مند شده بود. افزون‌براین، آرزوی اسرائیل در ارتقای روابط با آفریقا با سفر گلد/مایر^۱، وزیر امور خارجه اسرائیل در سال ۱۹۵۸ برای نخستین بار به آفریقا و دیدار وی با رهبران کشورهای لیبیا، غنا، سنگال، نیجریه، و ساحل عاج، تحقق یافت (Basirat, 2015, 6-7). افزون‌براین، مجموعه‌ای از تغییرات بین‌المللی و منطقه‌ای، در تشدید ورود و نفوذ اسرائیل به آفریقا نقش داشت که از آن‌جمله می‌توان به تحولات زیر اشاره کرد:

• **استقلال تعدادی از کشورهای آفریقایی طی سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۳:** این استقلال، به افزایش تعداد و توان آرای آفریقایی‌ها در سازمان ملل متحد منجر شد که برای اسرائیل از جذابیت و اهمیت زیادی برخوردار بود؛

• **تأسیس سازمان وحدت آفریقا در سال ۱۹۶۳:** عضویت دوگانه مصر در اتحادیه کشورهای عربی و سازمان وحدت آفریقا، فرصتی را برای این کشور فراهم کرد تا با بعضی از رهبران کشورهای رادیکال آفریقا، مانند نکرومه و سکوتوره هم‌پیمان و متحد شود؛ موضوعی که برای اسرائیل بسیار ناخوشایند بود؛

1. Golda Meyer

بنابراین، تلاش‌هایی را برای گسترش روابط با آفریقا در دستور کار خود قرار داد. با فرارسیدن سال ۱۹۶۶، اسرائیل در تمام کشورهای آفریقایی جنوب صحرا به جز سومالی و موریتانی، دارای نمایندگی‌های سیاسی شد؛ با این حال، آفریقا همچنان چونان میدانی برای رقابت بین اعراب و اسرائیل به‌شمار می‌آمد (Ahmadi, Manesh, 2022, 11).

۳-۳. مرحله سوم (۱۹۸۲-۱۹۷۳): سال‌های قطع روابط

اسرائیل تا پیش از جنگ اکتبر ۱۹۷۳ با اعراب، با ۲۵ کشور آفریقایی، روابط دیپلماتیک داشت؛ ولی از ژانویه ۱۹۷۴، این تعداد به پنج کشور، شامل آفریقای جنوبی، لسوتو، مالاوی، سوازیلند، و موریس تقلیل یافت. دلایل این کاهش روابط عبارتند از:

- حمایت کشورهای آفریقایی از موضع مصر که خواستار بازپس‌گیر سرزمین‌های اشغالی خود از اسرائیل بود؛

- ظهور گروه‌هایی در کشورهای جهان سوم که با شعارهای برابری یا همبستگی شکل می‌گرفتند؛ مانند سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)^۱ و گروه ۷۷ یا جنبش عدم تعهد^۲ که بیشتر کشورهای عربی در آن‌ها عضویت داشتند و از کشورها می‌خواستند که روابط دیپلماتیک خود را با اسرائیل قطع کنند. در این زمینه، کشورهای کوبا، زئیر (کنگوی دموکراتیک فعلی)، و توگو از نخستین کشورهایی بودند که به درخواست قطع روابط با اسرائیل پاسخ دادند.

- پشتیبانی اسرائیل از جنبش‌های تجزیه‌طلب آفریقا مانند بیافرا در نیجریه و جنوب سودان و پشتیبانی از رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی، سبب افزایش نفرت از این رژیم می‌شد (Ghaderi, 2004, 28-30).

۳-۴. مرحله چهارم (۱۹۹۱-۱۹۸۳): عادی‌سازی روابط برای بار دوم

از اوایل دهه ۱۹۸۰، اسرائیل در ادامه سیاست خود به‌منظور بازگشت به آفریقا، اقدام به افزایش و تحکیم روابط خود با کشورهای این قاره (باوجود قطع روابط دیپلماتیک) کرد. در سال ۱۹۸۲، زئیر نخستین کشور آفریقایی بود که از بازگشت و عادی‌سازی روابط خود با اسرائیل خبر داد. انگیزه زئیر برای عادی‌سازی روابط با اسرائیل را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- عقب‌نشینی اسرائیل از صحرای سینا و امضای قراردادهای صلح میان مصر و اسرائیل؛

• نیاز رژیم موبوتو به کمک‌های فنی، اقتصادی، و نظامی اسرائیل برای مقابله با مشکلات و بحران‌های اقتصادی و امنیتی؛

• نیاز رژیم به کمک سیاسی رژیم صهیونیستی و لابی آن در کاخ سفید به دلیل بحران‌های سیاسی و امنیتی.

جدول شماره (۱). وضعیت قطع روابط کشورهای آفریقایی با اسرائیل در دهه ۱۹۷۰

کشور	وضعیت روابط	انگیزه و علل
نیجر	قطع روابط (۵/ژانویه/۱۹۷۳)	تحت تأثیر افکار عمومی مردم مسلمان نیجر و دریافت کمک‌های مالی از لیبی و الجزایر
توگو	قطع روابط (۲۱/سپتامبر/۱۹۷۳)	همبستگی با مصر و سازمان وحدت آفریقا
کنگو دموکراتیک	قطع روابط (۴/اکتبر/۱۹۷۳)	همبستگی با مصر و سازمان وحدت آفریقا
بنین	قطع روابط (۹/اکتبر/۱۹۷۳)	داشتن رژیم سوسیالیستی و همبستگی با سازمان وحدت آفریقا
بورکینافاسو	قطع روابط (۱۰/اکتبر/۱۹۷۳)	داشتن رژیم رادیکال انقلابی و حمایت از مصر
کامرون	قطع روابط (۱۳/اکتبر/۱۹۷۳)	همبستگی با مصر
لیبریا	قطع روابط (۲/نوامبر/۱۹۷۳)	همبستگی با مصر و پیروی از قطعنامه سازمان وحدت آفریقا
ساحل عاج	قطع روابط (۸/نوامبر/۱۹۷۳)	همبستگی با مصر و پیروی از قطعنامه سازمان وحدت آفریقا
نیجریه	قطع روابط (۲۵/اکتبر/۱۹۷۳)	همبستگی با مصر و پیروی از مقررات سازمان وحدت آفریقا
سنگال	قطع روابط (۲۸/اکتبر/۱۹۷۳)	همبستگی با مصر و پیروی از قطعنامه سازمان وحدت آفریقا
غنا	قطع روابط (۲۸/اکتبر/۱۹۷۳)	همبستگی با مصر و پیروی از قطعنامه سازمان وحدت آفریقا
سیرالئون	قطع روابط (۲۷/اکتبر/۱۹۷۳)	همبستگی با مصر و پیروی از تصمیمات و قطعنامه سازمان وحدت آفریقا
گابن	قطع روابط (۲۹/اکتبر/۱۹۷۳)	همبستگی با مصر و پیروی از قطعنامه سازمان آفریقا
گینه استوایی	قطع روابط (۱۴/اکتبر/۱۹۷۳)	پیروی از تصمیمات و قطعنامه سازمان وحدت آفریقا
گامبیا	۲۶/اکتبر/۱۹۷۳	همبستگی با مصر و تحت تأثیر افکار عمومی مردم مسلمان گامبیا
آفریقای مرکزی	قطع روابط (۲۱/اکتبر/۱۹۷۳)	همبستگی با مصر و دریافت مشوق‌های ملی و نفتی از لیبی
چاد	قطع روابط (۲۸/نوامبر/۱۹۷۲)	تحت تأثیر افکار عمومی مردم مسلمان چاد و دریافت کمک‌های نفتی

Source: Anousheh, 2010, 197



اگرچه حمله اسرائیل به لبنان و اشغال آن در ژوئن ۱۹۸۲ به جهانیان ثابت کرد که این رژیم، توسعه طلب و دارای مقاصد خصمانه ضد همسایگانش است، ولی برخی از کشورهای منطقه غرب آفریقا، همچون لیبیا، در اوت ۱۹۸۳، و کشور ساحل عاج در فوریه ۱۹۸۶، روابط خود را با اسرائیل عادی کردند و بار دیگر سفارت خانه این رژیم در «ابیجان» گشایش یافت. در مجموع، وضعیت کشورهای آفریقایی که برای بار دوم به عادی سازی روابط با اسرائیل روی آوردند را می توان در جدول شماره (۲) مشاهده کرد.

جدول شماره (۲). عادی سازی روابط برخی کشورهای آفریقایی با اسرائیل در دهه ۱۹۸۰

کشور	وضعیت روابط	سطح روابط
زئیر (کنگوی دموکراتیک)	عادی سازی روابط از مه ۱۹۸۲	تبادل سفیر
ساحل عاج	عادی سازی روابط از فوریه ۱۹۸۶	تبادل سفیر
لیبیا	عادی سازی روابط از اوت ۱۹۸۳	تبادل سفیر

منبع: نگارندگان

۳-۵. مرحله پنجم (۲۰۰۱-۱۹۹۱): سیاست های عادی سازی

در این مرحله، شاهد آغاز دوباره روابط بین اسرائیل و آفریقا هستیم؛ به ویژه در سال های ۱۹۹۱-۱۹۹۲ که بنا به دلایل زیر، روندی صعودی داشته است:

- تغییر در نظام بین الملل و تأثیرات منطقه ای آن؛
- سرنگونی نظام های کمونیستی مارکسیست-لنینیستی در آفریقا؛
- آغاز روند گفت و گو میان اعراب و اسرائیل از زمان تشکیل کنفرانس مادرید (Basirat, 2015, 2015).
- در واقع، در این مرحله، رژیم صهیونیستی در سیاست آفریقایی خود بازنگری و در بخشی از اولویت های آن، تعدیل ایجاد کرد. در حال حاضر، سیاست های اسرائیل در آفریقا، بر دو پایه استوار است که عبارتند از:
 - تمرکز بر منافع اقتصادی: اسرائیل در روابط خود با کشورهای غرب آفریقا، به ویژه ساحل عاج، نیجریه، غنا، لیبیا، و سنگال، به منافع اقتصادی و زمینه های تجاری بیشتر اهمیت می دهد؛
 - اولویت بخشیدن به کشورهای آفریقایی با اکثریت مسلمان: اسرائیل سعی دارد کشورهای آفریقایی مسلمان را در معادله منازعه اعراب و اسرائیل و در برابر قضیه فلسطین و قدس، دست کم بی طرف کند. اسرائیل در سنگال و نیجریه، که بزرگ ترین کشورهای اسلامی منطقه غرب آفریقا هستند، سعی می کند از راه برقراری روابط با شخصیت ها و جمعیت های اسلامی، این کشورها را از دایره منازعه خاورمیانه و طرفداری از قضیه فلسطین، خارج کند (Anousheh, 2010, 171). وضعیت کشورهای آفریقایی که در دهه ۱۹۹۰ به عادی سازی روابط با اسرائیل روی آوردند را می توان در جدول شماره (۳) مشاهده کرد.

جدول شماره (۳). عادی سازی روابط برخی کشورهای آفریقایی با اسرائیل در دهه ۱۹۹۰

کشور	وضعیت روابط	سطح روابط
کامرون	عادی سازی روابط (اوت ۱۹۹۱)	سفیر در یاونده
کنگو	عادی سازی روابط (ژانویه ۱۹۹۱)	سفیر غیرمقیم (سفیر اسرائیل در کنگو دموکراتیک)
آفریقای مرکزی	عادی سازی روابط (ژانویه ۱۹۹۱)	سفیر غیرمقیم (سفیر اسرائیل در کامرون)
بنین	عادی سازی روابط (ژوئیه ۱۹۹۲)	سفیر غیرمقیم (سفیر اسرائیل در ساحل عاج)
بورکینافاسو	عادی سازی روابط (اکتبر ۱۹۹۳)	سفیر غیرمقیم (سفیر اسرائیل در ساحل عاج)
گامبیا	عادی سازی روابط (سپتامبر ۱۹۹۲)	سفیر غیرمقیم (سفیر اسرائیل در سنگال)
نیجریه	عادی سازی روابط (مه ۱۹۹۲)	سفارت در ابوجا
غنا	عادی سازی روابط (اوت ۱۹۹۴)	سفیر غیرمقیم (سفیر اسرائیل در ساحل عاج)
سیرالئون	عادی سازی روابط (ژوئن ۱۹۹۲)	سفیر غیرمقیم (سفیر اسرائیل در ابیجان)
سنگال	عادی سازی روابط (۴ اوت ۱۹۹۴)	سفارت در داکار
گابن	عادی سازی روابط (سپتامبر ۱۹۹۳)	سفیر غیرمقیم (سفیر اسرائیل در کامرون)
گینه بیسائو	عادی سازی روابط (مارس ۱۹۹۴)	سفیر غیرمقیم (سفیر اسرائیل در سنگال)
گینه استوایی	عادی سازی روابط (ژانویه ۱۹۹۴)	سفیر غیرمقیم (سفیر در کامرون)

Source: Anousheh, 2010, 179

۳-۶. مرحله ششم (۲۰۰۱-۲۰۲۱)

اگرچه روند صلح خاورمیانه پس از کنفرانس مادرید^۱ (۱۹۹۱) و توافقات اسلو^۲ میان فلسطینی ها و اسرائیلی ها (۱۹۹۳) و صلح اردن و اسرائیل (۱۹۹۴) تشدید شد، ولی انتفاضه دوم فلسطینی ها و جنگ تابستان ۲۰۰۶ میان مقاومت اسلامی در لبنان و اسرائیل و تهاجم اسرائیل به غزه (۲۰۰۹) بر روابط این رژیم با قاره آفریقا تأثیراتی داشت. در دهه ۱۹۹۰، این رژیم با ۴۲ کشور آفریقایی مناسبات سیاسی داشت، اما دامنه این مناسبات در آغاز هزاره سوم کاهش یافت که دلایل آن عبارتند از:

- اقدامات سرکوبگرانه اسرائیل در برابر فلسطینی ها، سبب قطع یا انجماد روابط آن با برخی کشورهای آفریقایی شد که از آن جمله می توان به انجماد روابط این رژیم با تونس و مراکش و قطع مناسبات سیاسی با نیجر (۲۰۰۲) و موریتانی (۲۰۰۹) اشاره کرد؛
- افزایش مشکلات داخلی و خارجی این رژیم و کاهش توجه به برخی از عرصه های سیاست خارجی، از جمله آفریقا و آمریکای لاتین؛

1. Madrid
2. Oslo Agreement



● حضور این رژیم در بحران‌های سیاسی و امنیتی کشورهای آفریقایی؛ مانند نقش اسرائیل در بحران سیرالئون و لیبیا و کنترل تحرکات ایران در آفریقا (Anousheh, 2010, 173).

در سال‌های اخیر با بروز تغییرات سیاسی در سطح جهان و منطقه، اسرائیل با حمایت آمریکا سعی در گسترش نفوذ و حضور بیشینه خود در قاره آفریقا داشته است. در واقع، محور بسیاری از اقدامات تل‌آویو برای نفوذ دیپلماتیک به قاره سیاه در دهه‌های گذشته، بر تلاش برای عضویت در اتحادیه آفریقا متمرکز بوده است و بنیامین نتانیاوو، نخست‌وزیر اسرائیل، بارها در سفرهای خود به آفریقا این موضوع را مطرح کرده است؛ رویدادی که سرانجام در ۲۲ ژوئیه ۲۰۲۱، با موافقت اکثریت اعضای اتحادیه آفریقا به وقوع پیوست. البته برخی عوامل درون‌قاره‌ای بر فراهم‌سازی شرایط این عضویت در اتحادیه آفریقا مؤثر بودند که از جمله آن‌ها می‌توان به روابط روبه‌رشد اسرائیل با چاد از اواخر سال ۲۰۱۸ و سفر رئیس‌جمهور این کشور به تل‌آویو اشاره کرد؛ سفری که در آن، موضوع از سرگیری روابط دیپلماتیک میان چاد و اسرائیل در ۲۰ ژانویه ۲۰۱۹ به‌طور رسمی اعلام شد. همچنین، از سال ۲۰۱۶، اسرائیل موافقت اتیوپی را برای پیوستن خود به اتحادیه آفریقا جلب کرده بود. البته ۱۷ کشور آفریقایی با این پذیرش مخالفت کردند که الجزایر، سودان، موریتانی، جیبوتی، سومالی، تونس، لیبیا، نیجریه، اریتره، کومور، و مصر از جمله این کشورها هستند (<https://www.farsnews.ir/news>).



۴. دکترین پیرامونی و محورهای راهبردی حضور اسرائیل در آفریقا

دولت‌ها در عرصه سیاست خارجی، به‌منظور تأمین اهداف خویش و ایجاد یک حاشیه امن برای دستیابی به منافع ملی، از ابزارها و شیوه‌های گوناگونی بهره می‌گیرند که نحوه به‌کارگیری فنون و راهبردها در روابط میان دولت‌ها با میزان موفقیت آن‌ها در تأمین منافع ملی، ارتباطی منطقی دارد (Jafari, 2012, 167).

سیاست خارجی اسرائیل، به‌دلیل مجموعه بحران‌ها و تهدیدهایی که این رژیم در حوزه‌هایی مانند امنیت و هویت با آن‌ها روبه‌رو است، از پیچیدگی بالایی برخوردار است. اسرائیل در طول ۵۰ سال اخیر با به‌کارگیری انواع ابزارها و سیاست‌های راهبردی توانسته است روابط خود با کشورهای قاره آفریقا را در ابعاد سیاسی، دیپلماتیک، فرهنگی، اجتماعی، نظامی، امنیتی، و اقتصادی گسترش داده و متنوع کند (<http://astan.ir/fa/news/4189>). برپایه سیاست و راهبرد دکترین پیرامونی جدید، که در بحث نظری این مقاله مطرح شد، می‌توان به‌طور خلاصه به راهبردهایی اشاره کرد که اسرائیل در ابعاد گوناگون با به‌کارگیری آن‌ها سعی در نفوذ در قاره آفریقا و رسیدن به اهداف خود دارد.

۴-۱. راهبرد سیاسی

اسرائیل، همواره از ابتدای تشکیل خود، با همراهی قدرت‌های بزرگی چون آمریکا، درصدد بوده است که با اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهای برنامه‌ریزی شده، موقعیت خود را در جهان و در سطح منطقه، به‌ویژه در ارتباط با کشورهای پیرامونی تأثیرگذار، در راستای فراهم کردن زمینه‌های رسیدن به اهداف توسعه‌طلبانه خود، تثبیت کند. براین اساس، مهم‌ترین اقدامات این رژیم در کشورهای قاره آفریقا در جدول شماره (۴) مشخص شده است.

جدول شماره (۴). اهداف سیاسی اسرائیل در آفریقا

نفوذ در دبیرخانه و مراکز مدیریتی و تصمیم‌سازی سازمان‌های بین‌المللی	ایجاد روابط سیاسی و دیپلماتیک با کشورهای آفریقایی و عادی‌سازی روابط با آنها
امضای توافق‌نامه‌های سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی	پیدا کردن ابرمتحدان جدیدی چون اتیوپی، کنیا، نیجریه، الجزایر
دایر کردن سفارتخانه‌هایی، مثلاً، در پایتخت ساحل عاج	برانگیختن نزاع‌های منطقه‌ای
مشارکت در نشست‌های اتحادیه آفریقا	ایجاد فضای ضداسلامی در آفریقا و سپس ایجاد کنگره یهودیان آفریقا
انعقاد پیمان‌های صلح با محوریت اسرائیل	عقد پیمان‌هایی با کشورهای حاشیه نیل و با گروه‌های قومی و نژادی مختلف

Source: Ahmadi Manesh, 2011, 18

۴-۲. راهبرد اقتصادی

اسرائیل از جمله کشورهایی است که ناگزیر است دیپلماسی انرژی خود را در راستای الگوی یک دولت مصرف‌کننده انرژی برنامه‌ریزی کند. افزون‌براین، این رژیم با چالش‌های پر شمار و عمیق امنیتی و سیاسی روبرو است که آن را ناچار به استفاده از انرژی برای حل این چالش‌ها می‌کند. وجود تهدیدات امنیت ملی در کنار فقدان منابع انرژی لازم، دو عامل بسیار مهمی بوده‌اند که موتور دیپلماسی انرژی اسرائیل را به حرکت درآورده‌اند (Niakui and Karimipour, 2015, 39)؛ بنابراین، محیط امنیتی اسرائیل از زمان تأسیس این رژیم تا دهه‌های اخیر، تغییرات ساختاری و مفهومی بنیادینی را پشت سر گذاشته است که مهم‌ترین آن‌ها، ملاحظات اقتصادی در راستای سیاست کلان این رژیم برای رفع تهدیدهای اقتصادی و تأمین امنیت اقتصادی است که با توسعه اقتصادی و افزایش جمعیت، نیاز و وابستگی اسرائیل به انرژی، سرمایه‌های خارجی و نیروی کار ارزان‌قیمت افزایش یافته است (Shadmani and Yazdani, 2019, 158). اسرائیل در حوزه انرژی به گونه‌ای گسترده به آفریقا وابسته است؛ زیرا، اولاً ۱۰ کشور این قاره، از صادرکنندگان نفت به کشورهای دیگر هستند؛ و ثانیاً، بسیاری از کشورهای این قاره سرشار از مواد معدنی و منابع انرژی هستند. به همین دلیل، اسرائیل می‌تواند با گسترش نفوذ خود در این قاره، امنیت انرژی و معدنی خود را تأمین کرده و از منابع و معادن سرشار این قاره (به‌ویژه الماس) در راستای تأمین اهداف اقتصادی خویش استفاده کند.



جدول شماره (۵). اقدامات و اهداف اقتصادی اسرائیل در آفریقا

افزایش کمک‌های اقتصادی و توسعه‌ای	حضور فعال در بخش‌های مهم زیرساختی (اجرای طرح‌های کشاورزی و خرید زمین‌های کشاورزی و تملک آن‌ها)
ساخت سدها و مخازن آبی مورد نیاز در این قاره	
سرمایه‌گذاری مستقیم در بخش‌های مهم اقتصادی	تأسیس شرکت‌هایی در زمینه صنایع، کشاورزی، پرورش ماکیان و دام
اقدام به جذب نیروی کار آفریقایی	
ساخت فرودگاه اکرا در غنا	آموزش کشاورزی و حمل‌ونقل دریایی مانند شرکت دریانوردی ستاره سیاه و شرکت ناوبری دریایی در لیبیا
ساخت مدارس و دانشگاه‌ها، مانند دانشگاه هایله سلاسی در اتیوپی	افتتاح دفترهای تجاری در اوگاندا، کنیا، اتیوپی، و رواندا
به‌کارگیری مهندسان و متخصصان و فرستادن آن‌ها به آفریقا	تشویق و حمایت از رهبران جدید مایل به توسعه اقتصادی
تلاش برای تسلط بر منابع نفتی	مقابله با مسدود شدن پی‌درپی تنگه‌های تیران و باب‌المندب
حمایت از شرکت‌های سرمایه‌گذاری اسرائیل در آفریقا	

منبع: یافته‌های نگارندگان

۳-۴. دیپلماسی نظامی

با توجه به دغدغه امنیتی موجود در اسرائیل، نهادهای نظامی و امنیتی در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی این رژیم، از جایگاه بسیار بالایی برخوردارند. با توجه به اینکه یکی از نگرانی‌های اسرائیل، حفظ امنیت بوده است، یکی از راهبردهایی که در رابطه با کشورهای آفریقایی می‌تواند در راستای تحقق اهداف توسعه طلبانه این رژیم کارساز باشد، دیپلماسی نظامی، به‌عنوان ابزار سیاست خارجی اسرائیل برای تأمین امنیت است که نوعی همکاری و استفاده از نیروهای مسلح و زیرساخت‌های مرتبط با امور دفاعی را دربر می‌گیرد.

به‌هر حال، دیپلماسی نظامی این رژیم در سال‌های اخیر سعی کرده است رو به جلو حرکت کند و سازمان شاباک (سرویس امنیت کل)، موساد، و وزارت امور خارجه اسرائیل، همگی برای برقراری روابط اولیه و همچنین، آگاهی از نیازهای امنیتی کشورهای آفریقایی، از جمله اتیوپی، کنیا، آنگولا، آفریقای جنوبی، ساحل عاج، زامبیا، توگو، نیجریه، کامرون، و مالاوی تلاش می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که ارتش اسرائیل برای نخستین بار در طول سال‌های اخیر، وابسته‌ای نظامی، به‌نام آویعازر سیگل^۱ را برای قاره آفریقا تعیین کرده

1 - Eliezer Siegel

است. با این حال به نظر می‌رسد، دیپلماسی نظامی اسرائیل در این منطقه، بیشتر بر فروش تسلیحات و فناوری‌های نظامی بر مبنای تنش آفرینی، ایجاد آشوب، و تجزیه کردن کشورهای آفریقایی متمرکز است؛ به‌ویژه اینکه این قاره، سرشار از منازعات درون‌کشوری و برون‌کشوری است. در شرایط کنونی نیز می‌توان ردپای دخالت سرویس جاسوسی اسرائیل را در اعتراضات الجزایر و سودان یا حمایت کامل نظامی از اتیوپی و اریتره در درگیری‌های منطقه‌ای مشاهده کرد (https://www.islamtimes.org).

جدول شماره (۶). دیپلماسی نظامی اسرائیل در آفریقا

ایجاد پایگاه نظامی در برخی کشورهای شاخ آفریقا مانند اریتره	آموزش نظامیان تانزانیا، رواندا، اتیوپی، کنیا، ساحل عاج، نیجریه، و... توسط ارتش اسرائیل
بازگشت نظامیان اسرائیل به آفریقا	ایجاد سفارت و دفتر نمایندگی نظامی در قاره سیاه
صادرات انواع اسلحه ساخت اسرائیل	مدیریت فعالیت‌های امنیتی و اطلاعاتی در اتیوپی، اداره مرکز آموزش عالی نیروهای امنیتی در آدیس آبابا، فروش تسلیحات و فناوری‌های نظامی
کمک به بازسازی ارتش، نیروهای پلیس و گارد ریاست‌جمهوری در برخی از کشورهای آفریقایی مانند زئیر، جمهوری دموکراتیک و کامرون	

منبع: نگارندگان

۴-۴. دیپلماسی فرهنگی

یکی دیگر از شیوه‌های نفوذ اسرائیل در قاره آفریقا، به‌کارگیری دیپلماسی فرهنگی در کشورهای آفریقایی است که به‌طور خلاصه دربردارنده موارد زیر است:

- توجه به اتیوپی به سبب حضور اقلیتی از یهودیان که برای ملت یهود، اهمیت دینی و عقیدتی دارند.
- بهبود وجهه خود در میان آفریقایی‌هایی که دانش و اطلاعات کافی ندارند؛
- بهره بردن از برخی مؤسسه‌های دینی مانند کلیسای انجیلی در آفریقا، به‌منظور گسترش نفوذ در این قاره (https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/12/04/2204787)
- دادن بورسیه‌های تحصیلی به استادان و دانشجویان دانشگاه‌های آفریقایی؛
- ساخت مدارس و دانشگاه‌ها در برخی کشورهای آفریقایی، از جمله دانشگاه هایله سلاسی در اتیوپی؛
- ارائه برنامه‌های آموزشی و تحصیلی برای مراکز آموزش عالی؛
- اداره مرکز آموزش عالی نیروهای امنیتی در آدیس‌بابا.
- تلاش اسرائیل برای بازگرداندن یهودیان آفریقایی، از جمله یهودیان اتیوپیایی موسوم به فلاش‌مورا، که نتانیا هو، نخست‌وزیر اسرائیل، از آن‌ها با عنوان جوهره تاریخ یهود و صهیونیسم یاد می‌کند (Irna, 2021).



۶۰۰

پژوهش نامه ایرانی

سیاست بین‌الملل،

سال ۱۲، شماره ۱، شماره

پیاپی ۲۳، پاییز و زمستان

۱۴۰۲

۵. تحلیل اهداف اسرائیل از نفوذ در آفریقا

هدف اصلی اسرائیل از حضور و نفوذ در آفریقا، با توجه به بحث‌های مطرح شده و برپایه نظریه دکتورین پیرامونی، افزایش عمق راهبردی این رژیم برای رهایی از محدودیت‌ها و تهدیدات وجودی آن است که همواره مورد توجه رهبران و استراتژیست‌های اسرائیلی بوده است و در این راستا، آفریقا از جمله مناطق پیرامونی مهمی است که از ابتدا در کانون توجه ویژه اسرائیل قرار گرفته است. با توجه به ابعاد یادشده، اسرائیل از نفوذ در این قاره اهدافی داشته است که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره شده است.

۵-۱. افزایش مشروعیت و وجهه سیاسی

اسرائیل، با توجه به ماهیت شکل‌گیری آن، همواره با مشکل مشروعیت روبه‌رو بوده و بسیاری از کشورهای جهان، آن را با پیشوند جعلی خطاب می‌کنند. به همین دلیل، استراتژیست‌های اسرائیلی در پی راهکارهایی برای غلبه بر این معضل بوده‌اند. این موضوع با طرح دکتورین پیرامونی بن‌گوریون، شکل عملی‌تری به خود گرفت و می‌توان نفوذ در قاره آفریقا از سال‌های ۱۹۵۷ به این سو را در همین راستا ارزیابی کرد. بر این اساس، اسرائیل همواره تلاش کرده است برای کسب مشروعیت بین‌المللی، توجه خود را بر کشورهای آفریقایی متمرکز کند. هرچند اسرائیل، با بهره‌گیری از قدرت و توی آمریکا در سازمان ملل، همواره از به‌نتیجه رساندن قطعنامه‌های ضد این رژیم جلوگیری کرده است، اما اهمیت آفریقا با توجه به آمار بالای این کشورها در سازمان ملل به لحاظ قدرت رأی، بر اسرائیل پوشیده نبوده و بر همین اساس، بن‌گوریون، نخست‌وزیر پیشین اسرائیل و طراح دکتورین پیرامونی، بر اینکه کشورهای آفریقایی غنی نیستند، ولی رأی آن‌ها در محافل و سازمان‌های بین‌المللی، به لحاظ ارزش، برابر با ملت‌های بسیار نیرومندتر از آن‌هاست، تأکید کرد (Ali Abdul Rahman, 2006, 20) و آن را برای تثبیت موجودیت اسرائیل، حیاتی می‌دانست. در همین راستا، این رژیم، همواره برای نزدیکی به کشورهای آفریقایی بسیار تلاش کرده است و در جدیدترین مورد، پس از تلاش‌هایی نوزده‌ساله، در سال ۲۰۲۱، به‌عنوان عضو ناظر اتحادیه آفریقا پذیرفته شده است؛ موضوعی که به بهبود مشروعیت این رژیم کمک فراوانی کرده است؛ به گونه‌ای که عبدالباری عطوان^۱، تحلیلگر مشهور عرب، این رویداد را سرآغازی برای ورود اسرائیل به اتحادیه عرب و سازمان همکاری اسلامی می‌داند ([www/http://www.isna.ir](http://www.isna.ir)).





۲-۵. تضعیف کشورهای عربی-اسلامی

رهبران اسرائیل، مبارزه با اسلام را یکی از اصول و سرفصل‌های راهبرد کلان خود در آفریقا به‌شمار می‌آورند. آن‌ها از دیرباز کوشیده‌اند به روند تقسیم آفریقا به دو بخش شمال مسلمان و جنوب مسیحی کمک کنند. ایجاد جبهه ضداسلامی در آفریقا، یکی دیگر از راهبردهای اسرائیل به‌منظور محدود کردن نفوذ اسلام در این قاره و با هدف ایجاد درگیری بین مسلمانان و کشورهای آفریقایی مجاور برای دور نگه داشتن کشورهای اسلامی از خط مقابله با دشمن حقیقی، یعنی رژیم صهیونیستی است؛ زیرا، در راهبرد اسرائیل، وجود کشورهای عربی-اسلامی قدرتمند برای این رژیم خوشایند نیست؛ بنابراین، سیاست‌های راهبردی خود را در کنار پر کردن خلأ رابطه خود با کشورهای عربی و آسیایی، در زمینه تضعیف این کشورها از طریق عادی‌سازی روابط با آن‌ها، محاصره کشورهای عربی و محروم کردن آن‌ها از هرگونه نفوذ به داخل آفریقا، استفاده از برخی اختلافات کشورهای عربی با کشورهای آفریقایی و دامن زدن به آن‌ها، تهدید امنیت غذایی و اجتماعی کشورهای عربی متکی به آب‌های رود نیل از طریق گسترش نفوذ در کشورهای حاکم بر منابع این رود، تأمین امنیت گذرگاه‌های دریای سرخ منتهی به اسرائیل از طریق حضور نظامی خود در اتیوپی و برخی جزایر اجاره‌ای، استقرار نیروهای اسرائیل در برخی از کشورهای مشرف بر دریای سرخ و بهره‌برداری از تسهیلات اعطایی به آمریکا در منطقه و قرارداد همکاری راهبردی بین آمریکا و اسرائیل، پیگیری می‌کند. در وجه دیگر، اسرائیل از جریان‌ها و اقلیت‌های یهودی در کشورهای آفریقایی حمایت می‌کند و سعی دارد آن‌ها را به هرم قدرت نزدیک کند؛ عملی که موجب می‌شود نفوذ ائتلاف‌های وابسته به کشورهای عربی کاهش پیدا کند.

۳-۵. کم‌رنگ کردن مسئله فلسطین

موضوع فلسطین، به‌عنوان مهم‌ترین چالش اسرائیل از زمان تولد، همواره بر تمام پویش‌های سیاست خارجی و داخلی این رژیم تأثیر گذاشته و اسرائیل از هر فرصتی برای به‌حاشیه راندن مسئله فلسطین استفاده کرده است. از جمله اقدامات این رژیم در این راستا در سال‌های اخیر می‌توان به «معامله قرن»، «توافق ابراهیم»^۲ با کشورهای عربی و در ادامه، تلاش گسترده برای حضور و نفوذ بیشتر در آفریقا اشاره کرد؛ زیرا، ارتباط طولانی میان گروه‌های فلسطینی با جنبش‌های آزادی‌بخش در کشورهای مختلف آفریقایی و همچنین، وجود مسئله مشترک منازعه و جنگ با استعمارگران برای ملت‌های آفریقا و فلسطین موجب شده

1. Century deal
2. Abraham's agreement

است که اسرائیل، موضوع فلسطین را یک مسئله آفریقایی به‌شمار آورد؛ برای مثال، می‌توان به نظرسنجی مؤسسه «زاگی» درباره اهمیت مسئله فلسطین در برخی کشورهای آفریقایی، از جمله مراکش و مصر، اشاره کرد که با ۷۲ درصد، در صدر همه اولویت‌های این کشورها قرار داشته است (Talhami, 2016, 120). مسئله مهم‌تر در این مورد، همگرایی دینی طرفین است که مهم‌ترین بعد موضوع فلسطین محسوب می‌شود؛ به‌گونه‌ای که گفته می‌شود «در میانه قرن بیستم، از هر سه نفر آفریقایی، دو نفر مسلمان بوده‌اند و اگر بگوییم به نظر مسلمانان و براساس محاسبات آنان، قاره آفریقا، قاره اسلام است، سخنی به‌گزارف نگفته‌ایم» (Hatami, 2013, 102). از جمله موارد دیگر همسویی آفریقا با مسئله فلسطین می‌توان به عضویت ناظر فلسطین (از سال ۲۰۱۳) در اتحادیه آفریقا و حمایت این اتحادیه در بیانیه‌های پایانی‌اش از مسئله فلسطین، برگزاری نشست دوربان در آفریقای جنوبی برای مبارزه با آپارتاید و تبعیض نژادی و تعصب‌های قومی (که خوشایند اسرائیل نبود)، و در پی آن جنبش «بی‌دی‌اس»^۱ با هدف تحریم اسرائیل، که از سوی بسیاری از جریان‌های آفریقایی پشتیبانی می‌شود، اشاره کرد (Siraj adn Dabiri Mehr, 2021, 127). این موضوعات، اسرائیل را بر آن داشته است که با نزدیکی هرچه بیشتر به کشورهای آفریقایی، به کم‌رنگ کردن مسئله فلسطین شتاب ببخشد.

۴-۵. افزایش ضرایب امنیتی

بالاترین ارزش برای هر کشوری، امنیت است. با توجه به این موضوع است که بازیگران بین‌المللی به طرح راهبرد کلانی روی می‌آورند که مشخص‌کننده اهدافی است که با تحقق آن‌ها، حفظ امنیت امکان‌پذیر می‌شود (Daheshyar, 2013, 129). این امر در مورد اسرائیل، با توجه به نوع شکل‌گیری، تضاد دائم با همسایگان، ویژگی‌های جغرافیایی، و نداشتن عمق راهبردی، از اهمیت بالایی برخوردار است که با توجه به نقاط ضعف پرشمار اسرائیل، این رژیم با نوعی خلأ امنیتی گسترده روبه‌رو است؛ به این معنا که افزون‌بر امنیت، به معنای نظامی آن، مسائلی مانند بحران آب و ترکیب جمعیتی، امنیت وجودی اسرائیل را تهدید می‌کنند. یکی از مناطق عملیاتی در قالب دکترین پیرامونی اسرائیل برای غلبه بر موضوعات پرشمار امنیتی این رژیم، آفریقا است؛ به‌گونه‌ای که گفته می‌شود، راهبرد اسرائیل در آفریقا، برپایه ابعاد امنیتی تعریف شده است.

1. Boycott, Divestment, Sanctions (BDS)



۱-۴-۵. ارتقای امنیت راهبردی (مقابله با ایران و هم‌پیمانانش)

در قالب این راهبرد، با توجه به حساسیت راهبردی اسرائیل به منطقه دریای سرخ و شاخ آفریقا، این رژیم با استفاده از راهبرد پیرامونی و تأثیرگذاری بر مواضع و دیدگاه‌های سیاسی کشورهای آفریقایی، درصدد مقابله با فعالیت‌ها و راهبردهای ایران در این قاره است؛ زیرا، شاخ آفریقا همواره دارای توان بالقوه مناسبی برای گسترش مناسبات همه‌جانبه ایران با کشورهای آفریقایی، به‌ویژه کشورهای مسلمانان این قاره، بوده است و این گسترش مناسبات همه‌جانبه با آفریقا و مناطق دیگر، به همگرایی منطقه‌ای ایران و آفریقا و گسترش حضور فعال و همه‌جانبه این کشور در نظام بین‌الملل خواهد انجامید؛ بنابراین، اسرائیل که همواره ایران را تهدیدی برای خود در کشورهای پیرامونی به‌شمار می‌آورد، در تلاش است تا از هر راهبرد سیاسی، امنیتی، و اقتصادی‌ای برای تضعیف این کشور بهره‌برد. یکی از این راهبردهای بی‌ثباتی و عدم امنیت برای این رژیم، در شمال آفریقا، به‌ویژه در دریای سرخ است که با کمک نظامی، سیاسی، و اقتصادی کشورهای غربی، همچون آمریکا، توانسته است حضور دائم خود را در منطقه و در ابعاد گوناگون تقویت کند. افزون‌براین، به‌نظر می‌رسد، آفریقا در حال حاضر به عرصه رقابت‌های مخفیانه میان ایران و هم‌پیمانانش از یک سو و اسرائیل از سوی دیگر، تبدیل شده است. این موضوع سبب شده است که این رژیم و سرویس جاسوسی آن، فعالیت‌های چشمگیری را در راستای اقدامات تجاری و مالی، در آفریقا پیگیری کنند؛ زیرا، آگاهی کامل اطلاعاتی درباره دشمن، نکته کلیدی موفقیت اسرائیل در محیط راهبردی جدید و همچنین، پیش‌زمینه و عاملی ضروری برای ایجاد تغییرات و در نتیجه، اقدام سریع و به‌موقع و همچنین، بسط هژمونی آن است (Torabi, 2017, 163).

۲-۴-۵. تضمین امنیت جمعیتی

از متغیر کمیت و کیفیت جمعیت، می‌توان به‌عنوان یک عامل دیگر امنیتی مهم برای اسرائیل یاد کرد. مهاجرت یهودیان به اسرائیل، سنگ‌بنای اندیشه صهیونیسم بوده و عامل اساسی ادامه موجودیت اسرائیل، باقی ماندن جمعیت یهود در آن است؛ بنابراین، کاهش میانگین مهاجرت به داخل سرزمین‌های اشغالی، و در کنار آن، افزایش روند مهاجرت معکوس، زنگ خطر را برای این رژیم به‌صدا درآورده است؛ از همین رو، اسرائیل تلاش کرده است افزون‌بر حفظ جمعیت موجود و جلوگیری از مهاجرت آنان، یهودیان مناطق دیگر جهان را نیز با شگردها و تاکتیک‌های خاصی به فلسطین اشغالی بکشاند (Nejat, 2019, 47). در کنار کمیت، می‌توان به کیفیت جمعیت اسرائیل نیز اشاره کرد؛ به‌گونه‌ای که در طول چند سال اخیر، مقامات ارشد اسرائیل، پیوسته از عامل جمعیت به‌عنوان چالش و بحران اصلی پیش روی اسرائیل در دهه‌های آینده یاد کرده‌اند. محور و پایه نگرانی این افراد، برهم خوردن موازنه جمعیتی به‌سود اعراب و

فلسطینی‌ها در طول دو دهه آینده، و در اقلیت قرار گرفتن جمعیت یهودیان است (Dehghani, 2009)؛ عاملی که باعث شده است نتوان مسئله اقلیت‌های یهود را در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی روابط اسرائیل با آفریقا، کم‌اهمیت به‌شمار آورد؛ زیرا، حدود ۲۰ درصد از مجموع یهودیان مهاجر به اسرائیل در فاصله سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۹۵، از آفریقا به اسرائیل مهاجرت کرده‌اند (Ahmadi Manesh, 2011, 8). به‌رحال، اسرائیل با حمایت از جریان‌ها و اقلیت‌های یهودی در کشورهای آفریقایی، تلاش می‌کند آن‌ها را به‌هرم قدرت نزدیک کند و سپس، با تشکیل ائتلافی با حضور این رژیم، از نفوذ کشورهای عربی نیز بکاهد (Hosseini, 2010, 10).

۵-۵. بهره‌مندی از موقعیت ژئوپلیتیکی آفریقا

در جهان پیچیده، آشوب‌زده، و به‌هم‌وابسته امروز، جغرافیا از عوامل سرنوشت‌ساز برای کشورها به‌شمار می‌آید؛ عاملی که به هویت، تاریخ، سرشت، توسعه، و تصمیمات دولت‌ها شکل بخشیده و به‌شدت بر انتخاب سیاسی بازیگران تأثیر می‌گذارد (Nasri, 2015, 25). یکی دیگر از ابعاد مورد توجه اسرائیل برای نفوذ در آفریقا، موقعیت جغرافیایی این قاره است؛ زیرا، آفریقا به‌لحاظ ژئوپلیتیکی، از موقعیت قابل‌تأملی برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان گفت، چهار نقطه راهبردی جهان، در پیرامون قاره آفریقا قرار دارند که عبارتند از: تنگه باب‌المنذب، که ۲۰ درصد از تجارت اسرائیل از آن عبور می‌کند و اهمیت آن را با تنگه هرمز مقایسه می‌کنند؛ کانال سوئز، تنگه جبل‌الطارق، و دماغه امید نیک. افزون‌براین، قاره آفریقا از طریق کشورهای واقع در شمال شرق و شرق این قاره، پل ارتباطی بین خاورمیانه و اروپا ایجاد است (MirMohammadi and Hosseini, 2021, 181).

۵-۶. بهره‌برداری اقتصادی

امروزه از اقتصاد به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی قدرت کشورها یاد می‌شود که افزون‌بر مصون نگه داشتن کشور از تهدیدها و تحریم‌های خارجی، به‌عنوان عامل مهمی برای حفظ ثبات داخلی نیز عمل می‌کند. این امر، به‌ویژه برای اسرائیل که سال‌های طولانی در برابر انتفاضه فلسطینی، کوچک بودن بازارهایش، و فقر منابع طبیعی در داخل، و جنگ‌ها و تهدیدهای بیرونی قرار گرفته است، عاملی سرنوشت‌ساز به‌شمار می‌آید. در این راستا، اسرائیل که اقتصادش بیشتر متکی به کمک‌های خارجی بوده است، به‌منظور متنوع‌سازی اقتصادی، برنامه‌هایی را برای ارتباط بیشتر با مناطق پیرامونی اجرا کرده است که از جمله این مناطق می‌توان به قاره آفریقا اشاره کرد (Hilal, 2003, 40)؛ قاره‌ای که به‌دلیل قابلیت‌های نهفته‌اش، از آن با عنوان «قاره آینده» یاد می‌شود و اهمیت آن برای اسرائیل بسیار زیاد است (SalehNia

(and Ghaffari, 2028, 3)؛ زیرا، آفریقا، به لحاظ مواد خام و معدنی و ظرفیت‌های بالای کشاورزی، سرزمینی غنی و متنوع است. به هر حال، همه این‌ها عواملی هستند که اسرائیل را ترغیب کرده‌اند تا برای سرمایه‌گذاری هرچه بیشتر و همچنین، دسترسی به منابع انرژی ارزان، به گونه‌ای جدی به نفوذ و حضور خود در قاره آفریقا توجه کند. در کنار این عوامل، می‌توان به عامل مهم اقتصادی دیگر مورد توجه اسرائیل، یعنی صادرات اسلحه، نیز اشاره کرد که با توجه به جایگاه اسرائیل در این زمینه، در پی بازاریابی برای فروش سلاح و فرستادن کمک‌های تسلیحاتی برای جریان‌ها و جنبش‌های تجزیه‌طلبانه در آفریقا است (Azghandi and Zakeri, 2011, 90).

۶. اهداف آفریقا از توسعه روابط با اسرائیل

همانند اسرائیل، کشورهای آفریقایی نیز با انگیزه‌های گوناگونی سعی در برقراری روابط فراگیرتری با طرف اسرائیلی، برای بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های این رژیم، به ویژه در سال‌های اخیر، داشته‌اند که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره شده است.

۶-۱. همسو شدن با معادلات جدید جهانی

با فروپاشی شوروی و شروع عصر جدیدی در روابط بین‌الملل، که از آن با عنوان «نظم نوین جهانی» یاد شده است، قاره آفریقا نیز از پیامدهای شکل‌گیری ساختار جدید در امان نماند؛ به گونه‌ای که از یک سو، بسیاری از حکومت‌های این قاره که متکی به کمک‌ها و حمایت‌های شوروی بودند، ضمن منزوی و ضعیف شدن، با بحران مشروعیت روبه‌رو شدند و در نتیجه، تلاش‌هایی را برای نزدیک شدن به آمریکا و متحدان آن، از جمله اسرائیل، آغاز کردند (Sari al-Qalam and others, 2007, 47-49). همچنین، سیاست‌گذاران آفریقا با درک تحولات جدید جهانی و به منظور توسعه و امنیت این قاره، از ایجاد ارتباط با اسرائیل، ضمن استفاده از قابلیت‌های این رژیم، برای مستحکم کردن ارتباط خود با قدرت‌های بزرگ جهانی، از جمله آمریکا، استفاده می‌کنند. سیاست عمل‌گرایانه کشورهای آفریقایی سبب شده است که آن‌ها به جای دفاع از آرمان فلسطین، به کسب امتیازهایی از آمریکا در برابر برقراری روابط با اسرائیل، بیندیشند؛ چنان‌که آمریکا در سال ۲۰۲۰، به عنوان پاداش ارتباط سودان با اسرائیل، سودان را از فهرست کشورهای طرفدار تروریسم خارج کرد. بر این اساس، تعداد دیگری از کشورهای آفریقایی، در برابر پذیرش اسرائیل به عنوان عضو ناظر در اتحادیه آفریقا، با توجه به قدرت تأثیرگذاری لابی‌های طرفدار اسرائیل در ایالات متحده، چشم‌پراه دریافت امتیازهایی از آمریکا هستند.



۶-۲. تنش‌زدایی در روابط اعراب و اسرائیل

باوجود خشونت فزاینده در منطقه خاورمیانه و برخی دیدگاه‌ها همچون «همه یا هیچ» درباره صلحی پایدار، که در بیشتر سال‌های قرن بیستم حاکم بوده است، از دهه ۱۹۷۰، تلاش‌های موازی برای ایجاد صلح و ثبات در مناقشه اعراب و اسرائیل انجام شده است. قرارداد «کمپ دیوید» که در سال ۱۹۷۹ با میانجی‌گری آمریکا، بین اسرائیل و مصر (به‌عنوان یکی از مدعیان رهبری جهان عرب) منعقد شد، نخستین نشانه این تنش‌زدایی به‌شمار می‌آید. مذاکرات اعراب و اسرائیل با حضور همه طرف‌های درگیر در مناقشه خاورمیانه و به‌گونه‌ای مستقیم در سال ۱۹۹۱ در مادرید و دور بعدی آن، در سال ۱۹۹۳ در واشنگتن ادامه یافت (مذاکرات سال ۱۹۹۳، به قرارداد صلح بین اسرائیل و اردن به‌عنوان یکی دیگر از طرف‌های اصلی درگیر منجر شد)؛ روندی که باوجود ادامه‌دار بودن در سال‌های بعدی، با کارشکنی طرفین به نتیجه ملموسی نرسید. اما با روی کار آمدن دونالد ترامپ، به‌عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده و طرح صلح موسوم به «معامله قرن»، فرایند صلح اعراب و اسرائیل، رنگ‌وبوی عملی‌تری به‌خود گرفت و کشورهای چون امارات و بحرین، با قرارداد صلحی با عنوان «ابراهیم» به جرگه عادی‌سازان رابطه با اسرائیل پیوستند و برخی دیگر از کشورهای عرب منطقه، مانند عربستان و عمان، نیز تمایل خود را برای پیوستن به طرح یادشده نشان داده‌اند (Maleki and Mohammadzadeh, 2021, 50-55). با توجه به همسانی‌های قومیتی و دینی بسیاری از کشورهای آفریقایی، که بدنه اصلی اتحادیه آفریقا را نیز تشکیل می‌دهند، می‌توان گفت که اغلب آن‌ها، دغدغه‌های مشترکی در مورد اسرائیل دارند؛ ازجمله اینکه شماری از این کشورها، با دغدغه‌هایی مانند نگرانی‌های امنیتی مشترک، تأمین بهتر منافع ملی، کاهش تنش‌های منطقه‌ای و... گسترش رابطه با اسرائیل را جزو اهداف سیاست خارجی خود قرار داده‌اند. در ابتدا سودان در این مسیر قرار گرفت و در فرایند برقراری روابط با اسرائیل، به «توافق ابراهیم» پیوست که دستاورد آن، خارج شدن این کشور از فهرست کشورهای طرفدار تروریسم و همچنین، دریافت سالانه یک میلیارد دلار از بانک جهانی بود (Reuters, 2021, 1). سپس، مراکش، به‌عنوان دومین کشور آفریقایی، به «توافق ابراهیم» پیوست و از دستاوردهای آن، ازجمله پذیرفته شدن حاکمیت این کشور بر صحرای غربی، منطقه زیر نفوذ «جبهه پولیساریا»، بهره‌مند شد (Aljazeera, 2020, 3). به‌این ترتیب، به‌رسمیت شناخته شدن اسرائیل از سوی تعدادی از کشورهای این قاره و کم‌رنگ شدن عدم مشروعیت آن، به برطرف شدن بسیاری از نگرانی‌های کشورهای آفریقایی در مورد این رژیم کمک کرده و همچنین، امتیازات واگذارشده در قبال عادی‌سازی روابط با اسرائیل، ایجاد ارتباط با این رژیم را به یکی از اهداف مهم این کشورها تبدیل کرده است؛ به‌گونه‌ای که برای نشان دادن حسن نیت خود در این راه، اسرائیل را به‌عنوان عضو ناظر اتحادیه





آفریقا پذیرفتند. هرچند ۱۷ کشور آفریقایی، به حضور و نفوذ اسرائیل در قاره آفریقا و به‌ویژه، عضویت ناظر آن در اتحادیه آفریقا اعتراض کرده و مخالفت خود را به این سازمان اعلام کرده‌اند، اما با گرایش تدریجی کشورهای عربی به سوی اسرائیل (که با پیمان کمپ‌دیوید شروع شد و تا صلح امارات و بحرین ادامه پیدا کرده است)، برخی کشورهای عربی-آفریقایی، از جمله مراکش و سودان و برخی کشورهای آفریقایی با اکثریت جمعیت مسلمان، مانند مالی و چاد، نیز در راستای برقراری روابط با اسرائیل اقدام کرده‌اند.

۳-۶. برقراری توازن قوای منطقه‌ای

آفریقا، افزون بر ثروت منابع طبیعی‌اش، به دلیل وجود بسیاری از رودخانه‌های بزرگ نیز مشهور شده است. اگرچه بیشتر رودخانه‌های آن برای انجام امور تجاری مناسب نیستند، ولی به کار تأمین برق می‌آیند. باوجوداین، همین مزیت نیز یک منبع بالقوه برای مناقشه است (Marshal, 2021, 151). در سال‌های اخیر، مشکلاتی مانند تنش آبی در شمال آفریقا، اختلافاتی را بین برخی از کشورهای این حوزه، از جمله اتیوپی، با مصر و سودان به وجود آورده است و ناتوانی این کشورها در حل مسالمت‌آمیز آن سبب شده که طرفین این اختلافات، یکدیگر را به استفاده از توان نظامی علیه یکدیگر تهدید کنند. در این بین، اتیوپی، که از آن به عنوان دروازه ورود به آفریقا و قلب این قاره یاد می‌شود و همچنین، میزبان مقرر اتحادیه آفریقا است، با ساختن سد «النهضه» بر روی نیل، جریان آب این رودخانه به سوی مصر و سودان را به عنوان تنها منبع آب آشامیدنی آنان، کاهش داده و در نتیجه از سوی این کشورها تهدید به حمله نظامی شده است. اتیوپی با نفوذ و تلاش خود، بسیاری از کشورهای آفریقا را متقاعد کرد تا زمینه ورود اسرائیل به اتحادیه آفریقا را فراهم کنند؛ امری که هدف از آن این بوده است که در آینده، اگر اتیوپی مورد حمله نظامی مشترک سودان و مصر قرار گرفت، بتواند از اسرائیل به عنوان نیروی موازنه‌گر استفاده کند (Hanizade, 2022, 4).

۴-۶. جذب فناوری‌های نوین

پس از پایان عصر استعمار، کشورهای آفریقایی همواره از فاصله خود با استعمارگران پیشین در حوزه فناوری، رنج برده و در پر کردن این شکاف ناتوان بوده‌اند. این موضوع، موجب شده است که این کشورها، تنها ۳ درصد از کل صادرات جهان را در زمینه فناوری پیشرفته به خود اختصاص دهند که بر مبنای همین گزارش، کمترین رشد در حیطه فناوری، در مقایسه با نقاط دیگر جهان، است (<https://nrisp.ac.ir/fa/blog>). دشواری یادشده سبب شده است که این کشورها با توجه به وخیم‌تر شدن اوضاع اقتصادی و انسانی مانند بحران آب و خشکسالی در سال‌های اخیر، و متعاقب آن، بحران کرونا، در

پی راهکارهایی برای حل این عقب‌ماندگی باشند؛ زیرا، پیشرفت اقتصادی کشورها، به ارتقای سطح زندگی و چگونگی تولید کالاها و ارائه خدمات در بازارهای داخلی و خارجی بستگی دارد. آفریقا با داشتن منابع معدنی و غیرمعدنی باارزش، دارای امتیاز لازم برای ورود به عرصه تجارت جهانی و بهبود شاخص‌های رفاهی در این قاره است؛ ولی به دلیل فقدان تأسیسات زیربنایی مناسب و در نتیجه، خام‌فروشی منابع، بهره کمتری از این منابع می‌برد و در نتیجه، بایستی در صدد حل این معضل باشد؛ امری که سبب می‌شود کشورهای آفریقایی در کنار عوامل توسعه‌ای دیگر، از جمله سرمایه‌گذاری خارجی، در پی به کارگیری فناوری مدرن و صنعتی جدید در بخش‌های گوناگون اقتصادی کشور باشند و در این بین، اسرائیل به دلیل تجربیات خود در این زمینه، از جمله بخش کشاورزی، به عنوان فعال‌ترین بخش بسیاری از کشورهای آفریقایی و منبع درآمد زیادی از جمعیت این کشورها، مورد توجه قرار گرفته است. در کنار کشاورزی، می‌توان به فناوری‌های موجود اسرائیل در زمینه‌های نظامی، بهره‌برداری از معادن و جدیدترین معضل کنونی بشر، به ویژه در کشورهای آفریقایی، با توجه به زیرساخت‌های موجود، یعنی بیماری کرونا، اشاره کرد.

نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، بررسی و تجزیه و تحلیل ابعاد و اهداف نفوذ اسرائیل در آفریقا بوده است. با توجه به چارچوب نظری پژوهش (دکترین پیرامونی) و برخورداری این قاره از ظرفیت‌های گسترده اقتصادی، امنیتی، و نظامی، ارتباط با آفریقا برای اسرائیل کاملاً در راستای دکترین پیرامونی این رژیم، تحلیل می‌شود و تکمیل‌کننده جورچین این دکترین و توجیه‌کننده نفوذ و حضور اسرائیل در این قاره است؛ بنابراین، همسو با تلاش‌های کشورهای آفریقایی برای تحقق اهداف مورد نظرشان از گسترش روابط با اسرائیل (همسو شدن با معادلات جدید جهانی، تنش‌زدایی در روابط اعراب و اسرائیل، ایجاد توازن منطقه‌ای، جذب فناوری‌های نوین، حل مسئله فلسطین و بهره‌مندی از لابی اسرائیل)، اسرائیل نیز در صدد برآمده است تا با افزایش حضور و نفوذ خود در این قاره، در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، و راهبردی، به اهداف امنیت‌ساز خویش، همچون ارتقای مشروعیت و وجهه سیاسی بین‌المللی خود، تضعیف وحدت ضداسرائیلی کشورهای عربی-اسلامی، کم‌رنگ کردن مسئله فلسطین، افزایش ضرایب امنیتی (امنیت راهبردی خود در تقابل با ایران و هم‌پیمانانش، بهبود امنیت آبی و امنیت جمعیتی) و بهره‌برداری اقتصادی برای ایجاد حاشیه‌ای امن، دست یابد. افزون‌براین، خروج تدریجی آمریکا از خاورمیانه (افغانستان، عراق، سوریه، لیبی، و...) اسرائیل را به فکر یافتن متحدان جدیدی انداخته است. همچنین، با

توجه به اهمیت این قاره به لحاظ ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک، ژئواستراتژیکی، وجود منابع غنی، بازار مصرف گسترده، و همچنین، فقر فناوری، وجود تنگه‌های دریایی راهبردی، و موقعیت جغرافیایی خاص، ارتباط با کشورهای آفریقایی می‌تواند تضمین‌کننده نیازهای سیاسی، اقتصادی، و امنیتی اسرائیل باشد. افزون بر این، اگرچه اسرائیل در سازمان ملل از حمایت و حق وتوی آمریکا برخوردار است، اما تعداد قابل توجه متحدان آفریقایی می‌تواند بر کاهش آرا علیه این رژیم در این سازمان تأثیرگذار باشد. البته گفتنی است که منطقه خاورمیانه و مناطق پیرامون آن، از جمله آفریقا، در طول سال‌های اخیر، با توجه به نقش آفرینی فعال کشورهایمانند ایران، عربستان، ترکیه، و... شاهد شکل‌گیری قطب‌بندی‌های جدید، توازن منطقه‌ای، و یارگیری‌های جدیدی در بین کشورهای این منطقه بوده است که از جمله آن‌ها می‌توان به رابطه پرنوسان اسرائیل با کشورهای آفریقایی، مانند عضویت آن در اتحادیه آفریقا، اخراج از این اتحادیه، و بار دیگر نفوذ و عضویت به عنوان عضو ناظر در این اتحادیه اشاره کرد. البته این افت‌وخیزهای غیرمنتظره هر آن ممکن است بهشت آرزوهای اسرائیل را به برزخی تحمل‌ناپذیر و ناپایدار تبدیل کند؛ چنان‌که در حال حاضر، ۱۷ کشور آفریقایی با این تصمیم اتحادیه آفریقا (پذیرش اسرائیل به عنوان عضو ناظر) مخالفت کرده‌اند.



References

- Ahmadi Manesh, M. (2010). *An Analysis of the Influence and Presence of Israel (Uninvited Guest) in Africa*. Tehran: Islamic Culture and Communication Organization Publications. [in Persian].
- Azghandi, A. & Zakeri, Gh. (2009). The Impact of Military Industries on the Economy and Technology Development of the Zionist Regime. *Quarterly Journal of Political and International Research*, No. 3, 107-89. [in Persian].
- Al-Rakabi, M. J. (2011). Middle East policy of India and Israel; From Conflict to Cooperation. *Quarterly Journal of World Studies*, 1(2). [In Persian].
- Anousheh, S. (2008). The Position of the South African Region, The Foreign Policy Priorities of the Zionist Regime. *Political Science. Journal of African Studies*, 18, 138-107. [in Persian].
- Amir Ahmadian, B. (2002). The Horn of Africa and National Security of Iran. *Quarterly Journal of African Studies*, 6, 84-39. [in Persian].
- Anousheh, S. (2008). Israel and the Arab Maghreb, The Process of Normalization and Its Future. *Quarterly Journal of African Studies*, 157-190. [in Persian].
- Aljazeera (2020). *Israel, Morocco Agree to Normalise Relations in US-brokered Deal December 10*. Available at: <https://www.aljazeera.com/news/2020/12/10/israel-morocco-agree-tonormalise-relations-in-us-brokered-deal>.
- Augé, Benjamin (2020). Israel-Africa Relations: What Can We Learn from the Netanyahu Decade?, *Études de l'Ifri*, Ifri, November 2020.

- Abbasi, Majid, Ghiyasi, Amir, Babajanipour, Zahra (2013). The Strategy of" Peripheral Unity of the Zionist Regime and the Theory of Threat Balance in International Relations. *Foreign Policy Quarterly*, Year 27, No. 1. [in Persian].
- Azadi, A. (2021). Turning in the Doctrine of American Foreign Policy (12 August, 1399). available: <https://www.eghtesadnews.com/>. [in Persian].
- Africa, an Opportunity that is Still Untouched (1398). (Available at: <https://www.tzccim.ir/News/524>. [in Persian].
- Basirat, H. (2013). Analysis of Israel's Influence Strategy in Africa. *International Conference on Humanities and Behavioral Studies*. [in Persian].
- Bassist, R. (2021). For Israel's Acceptance to the AU as Observer Reveals Continental Divides. *Ifriqiya*, 6(4), October 28, 2021. [in Persian].
- Dehshiar, H. (2011). *US Foreign Policy in the Middle East and Democracy*. Tehran: Naghshineh Publications. [in Persian].
- Dehghani, M. (2008). *The Impact of Demographic Factors and Environmental Conditions on Israel's Political-Security Strategies*. available at: <http://www.Vista.ir>. [in Persian].
- Hatami, M. R. (2012). Challenges to the Spread of Islam in Africa. *Bi-Quarterly Journal of Political Science*, 1(15), 99-125. [in Persian].
- Hosseini, M. J. (2009). The Hidden Goals of the Zionist Regime to Create a New Transformation in Relations with African Countries (Focusing on the East African Region). No. 2. [in Persian].
- Hamdi, A. R. (2002). Israel's Influence in Africa and Its Reflection on the National Security of the Arabs. Translated by Seyyed Nematullah Ghaderi. *Quarterly Journal of African Studies*. Year 7. Spring and Summer 2003. Special Issues 19-20. 13-46. [in Persian].
- Hilal, J. (2003). *Israel's Economic Strategy in the Middle East*. Translated by Seyed Hossein Seyed and Amir Salmani Rahimi. Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad Press. [in Persian].
- Hashemi Nasab, S. (2013). The Arrival of Islam in Africa; Socio-Political Re-reading. *Quarterly Journal of Regional Studies*, No. 1, 93-124. [in Persian].
- Hanizadeh, H. (2020). *Israel and the Dream of Influence in Africa*. Available at: <http://pana.ir/news/1203993>. [in Persian].
- Israel on the Black Continent -3 | Numerous TV goals of influence in Africa (2019). Available at: <https://www.tasnimnews.com/en/news/1398/12/04/2204787/>. [in Persian].
- How the Zionist regime in Africa (June 3, 2016). Available at: <http://astan.ir/fa/news/4189/>. [in Persian].
- Javadani Moghadam, M. & Mousavizadeh, A. (2009). The Strategic Position of Iraqi Kurdistan in Israeli Foreign Policy and the Foreign Policy Requirements of the Islamic Republic of Iran. *Private and Criminal Law Research*, No. 11, 223-201. [in Persian].
- Jafari, A.A. (2011). Explaining the Factors and Goals of the Strategic Alliance between the United States and Israel in the Middle East. *Geopolitical Quarterly*, Year 8, Issue 2. [in Persian].
- Khalil Ibrahim Al-Tayyar. Israel's Return to Africa United. *Shawn Arabiya*, No. 47, September / September 1.
- Maleki, M. R. (2007). Israel's strategy in the Middle East and its impact on the Islamic Republic of Iran. *Political Science Quarterly*, No. 6. [in Persian].
- Marshall, T. (2021). *Prisoners of Geography*. Translated by Houshang Jirani and Hasti Sayadi. Tehran: Parseh Translation and Publishing Company. [in Persian].

- Mehdizadeh Siraj, G. (2021). Global Boycott Movement of Israel; Nature, Objectives, Achievements and Presentation of Propaganda Strategies. *International Media Research Journal*, Fifth Year, Issue(5), 137-111. [in Persian].
- Maleki, M. R. & Mohammadzadeh Ebrahimi, F. (2021). Perspectives of Middle East Peace in the Shadow of the Normalization of Israeli-Arab Relations. *Quarterly Journal of International Studies*, 17(3). [in Persian].
- Motives for Israel's presence in Africa (October 21, 2017). Available at: <https://farsi.palinfo.com/news/2017/11/7>. [in Persian].
- Nejat, Seyed Ali (2019), "Accelerating the process of normalization of Israel's relations with Arab countries; Causes and Consequences ", available at: risstudies.org, 3-1.[in Persian].
- Niakui, S. A., Karimipour, D. (2014). Israeli Energy Diplomacy: Regional Goals and Foundations. *Quarterly Journal of International Political Research*, Islamic Azad University, Shahreza Branch, No. 22. [in Persian].
- Nejat, S.A. (2016). Increasing the Trend of Reverse Migration in Israel: Causes and Consequences. *Quarterly Journal of Regional Studies*, 16(4). [in Persian].
- Nasri, Gh. (2014). *Vital Areas of the Middle East*. Tehran: Imam Sadeq University Press.
- New UN Report on the State of Science and Technology in Africa (1396). Translated by Hamid Khatibi, available at: <https://nrisp.ac.ir/fa/blog>. [in Persian].
- Pasha Ghasemi, A. (2008). Israel in Iraqi Kurdistan. *Strategic Studies of the Islamic World*, No. 33, 100-82. [in Persian].
- Qaderi, S.N. (2004). Israeli Influence in Africa and Its Reflection on Arab National Security. *Quarterly Journal of African Studies*, [in Persian].
- Rouhi, N. (2014). The Strategy of the Zionist Regime in the Iraqi Kurdistan Region and its Security Consequences for the Islamic Republic of Iran. *Afagh Security Quarterly*, Year 7. No. 24. [in Persian].
- Reuters (2020). *U.S. Designates Bahrain-based Group as Terrorist*. Accusing It of -Having Iran Backing. December 15, available at: <https://www.reuters.com/article/iran-usa-sanctions/u-s-designates-bahrain-based-group-as-terrorist-accusing-it-of-having-iranbacking-idUSKBN28P24E>.
- Sari al-Qalam, M., Gliani, A., & Bakhshi, A. (2006). Africa after the Cold War: Structure-Agent Interaction (Successes and Challenges). *Journal of Geographical Studies*, 21(4), Series 83. [in Persian].
- Salehi, M. & Zare, R. (2021). Power Vacuum and its Impact on Security in the Middle East. *Quarterly Journal of International Relations Studies*, 10(40), 93-114. [in Persian].
- Shadmani, M. & Enayatullah, Y. (2015). The Doctrine of Peripheral Unity and Security of Israel. *Quarterly Journal of Political Studies*, No. 40. [in Persian].
- Salehnia, A. and Ghaffari, M. (2017). *A Study of the Policies of the Zionist Regime in the African Continent*. Available at: <http://www.css.ir/fa/content/114601>. [in Persian].
- The Zionist Regime in the African Union Today, Tomorrow a Full Member of the Arab League and the Organization of Islamic Cooperation! (2022). Available at: <http://www.isna.ir>. [in Persian].
- Torabi, Q. (2015). Evaluation of "Israel Military Strategy". *Strategic Studies Quarterly*, 3(73), 159-166. [in Persian].
- Taghipour, M. T. (2004). *Israel's Peripheral Strategy: Secrets of Joint Operations of Mossad, SAVAK, Turkish and Ethiopian Intelligence Services in the Middle East and*



Africa. Tehran: Institute of Political Studies and Research.[in Persian].
Talhami, Sh. (2015). *The World from the Perspective of the Arabs*. translated by Mohammad Hossein Dehghanian and Seyed Jafar Seyedzadeh, Qom: Bustan Ketab Institute. [in Persian].
The Situation of Israel in the Field of Water (2018). Translated by Fatemeh Fattahi, taken from the site www.hakirya2040.com. [in Persian].
What Trick did Israel use to join the African Union after 19 years? Available: <https://www.farsnews.ir/news/14000512000321/>. [in Persian].
World Bank (2000). Can Africa Claim 21 Century. Available: www.imf.org.
<http://www.export.gov.il/Eng/Article.asp?CategoryID=39&ArticleID=8360>.
Yazdan Fam, M. & Mirzadeh Koohshahi, M. (2021). *Strategic Regions of the World*. Tehran: Research Institute for Strategic Studies. [in Persian].
Yasii, F. (2016). *Israeli Penetration into East Africa Objectives and Risks*. available at: <http://studies.aljazeera.net>.
Zionist Regime Diplomacy, Components and Challenges (March 7, 2017). Available at: <https://www.islamtimes.org/fa/article/781907>. [in Persian].

